

بررسی محرومیت از حقوق اجتماعی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

علیرضا سایبانی^۱، آزاد جعفری^۲

^۱ دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، ایران

^۲ دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

چکیده

حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی و سایر افراد مقیم در قلمروی حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح موجب اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی می‌گردد. این مجازات ریشه‌ی فقهی دارد ولی به صورت مدون از حقوق جزای فرانسه وارد حقوق جزای ایران گردیده و یکی از انواع مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد در قوانین جزایی ایران و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نحوه تدوین و اعمال این مجازات به صورت مستقل، تبعی، تکمیلی و اقدامات تامینی و تربیتی در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است از ایرادات موجود در قانون مجازات فعلی در این خصوص قرارداد این نوع جایگزین حبس در ردیف مجازات‌های درجه بندی شده و نیز حذف تعریف حقوق اجتماعی و اعاده حیثیت از نوع قضایی پیش بینی شده در مواد ماده ۴-۱۲۳ و ۲-۱۶۶ لایحه قانون مجازات اسلامی بوده که امید است قانون‌گذار نسبت به الحاق این دو مبحث به قانون مجازات اسلامی اقدام نماید.

واژه‌های کلیدی: محرومیت، حقوق اجتماعی، قانون جدید، مجازات.

مقدمه

در قوانین جزائی ایران قبل و بعد از انقلاب محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی در ردیف مجازات‌ها به آن اشاره شده است و سپس این مجازات به انواع تبعی، تکمیلی و اقدامات تامینی و حتی به صورت مجازات مستقل تدوین و اعمال گردید، همچنین در قانون مجازات اسلامی جدید (۱۳۹۲) علاوه بر موارد فوق مجازات محرومیت اشخاص حقوقی نیز مورد پذیرش مقنن اسلامی قرار گرفته است. اعمال این مجازات با رویه‌های مختلف در قانون مجازات اسلامی، موید آن است که با اصول تساوی، قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و آزادی‌های فردی در تضاد است و نیز در انواع مستقل و تبعی هیچ تناسبی بین جرائم و اعمال این مجازات وجود ندارد و با افزایش مدت این مجازات و با حذف اعاده‌ی حیثیت از نوع قضائی در قانون مجازات اسلامی جدید آزادی‌های فردی بیشتر در معرض تضییع قرار می‌گیرد و بحث بازگشت مجرم به جامعه با تهدید جدی تری مواجه گردیده است. هدف اصلی از ارائه این مقاله بررسی این نوع مجازات به طور کلی در قانون مجازات اسلامی مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای نگهبان در مورخه ۱۳۹۲/۲/۱ می‌باشد. نحوه تدوین و اعمال این مجازات در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران با رویه‌های مختلفی صورت می‌گردد که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- محرومیت مجرم از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی با نظر قاضی ماده ۲۳

۲- محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی بر اساس نوع و میزان مجازات (تبعی) ماده ۲۵

۳- محرومیت از حقوق اجتماعی به همراه مجازات شلاق و حبس (مستقل) قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ و محرومیت از خدمات الکترونیکی (قانون جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵).

۴- محرومیت اشخاص حقوقی بر اساس ماده ۱۴۲ از مواد ۲۰ الی ۲۲

مفهوم شناسی

گفتار اول: تعریف حق، محرومیت، حقوق اجتماعی

تعریف حق: کلمه حق دارای معانی متعدد و در هر یک از علوم در معنای خاصی به کار رفته است. در لغت عربی حق را از اسماء یا صفات خداوندی (جل جلاله) می‌دانند مثل آیه شریفه (ولو اتبع الحق أهواءهم) خداوند والامقام را از آن جهت حق می‌نامند که به حسب مقتضی حکمت موجود است و کلیه فعل الله را حق می‌دانند. دهخدا لغت دانان فارسی زبان می‌گوید حق کلمه ای عربی و به معنای راست کردن سخن، و نیز حق را به معنی عدل نیز دانسته است (عبادی، ۱۹: ۱۳۸۷).

تعریف محرومیت: محرومیت معنی و مفهوم متعددی دارد و تنها در چهارچوب فقه و حقوق قرار ندارد و ریشه این کلمه الهی است زیرا در قرآن مجید این کلام خداوند متعال، به آن اشاراتی فرموده است: در آیات ۶۷ و ۲۷ سوره‌های مبارکه واقعه و قلم، خداوند (جل جلاله) در بیان محرومیت افراد به علت ارتکاب گناهان دنیوی پس از وقوع عذاب به اظهار ندامت آنها چنین اشاره می‌فرماید: «بل نحن محرومون» بلکه از روی خود به کلی محروم گردیدیم.

تعریف حقوق اجتماعی: حقوق اجتماعی در یک معنی محدود به حقوقی گفته می‌شود که فرد آن را دارد به عنوان اینکه عضو جامعه است و با فعالیت شخصی و حرفه ای خود و یا با بکارگیری دارائی خود در اجتماع تأثیری می‌گذارد. در معنای وسیع تر، حقوق اجتماعی به یک سلسله حق‌هایی اطلاق می‌شود که به منظور رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی برای فرد شناخته شده است و این بی‌عدالتی‌ها ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند و نیز

حقوق اجتماعی مانند حقوق و آزادی های فردی ناشی از مقتضیات طبیعت بشر است که برای او به همان اندازه ی حقوق فردی ، امری حیاتی و اساسی است و موجب رهائی او از بی عدالتی ها است. حقوق اجتماعی یک سلسله امتیازاتی است که دولت ها با مشارکت فعالانه خود ، باید برای ملت خویش فراهم آورد و حقوقی نظیر اشتغال ، تامین اجتماعی ، بهداشت ، مسکن ، آموزش و پرورش و... را در دستور کار و برنامه های خود قرار دهند. ۴ (موسی زده، ۲۶۳: ۱۳۹۰) به طور کلی حقوق اجتماعی متشکل از دو شعبه مدنی و سیاسی است : نخست حقوق مدنی که از شرایط اولیه زندگی اجتماعی فرد به حساب می آید و بدون این حقوق زندگی مدنی فرد غیرممکن می گردد به همین لحاظ این دسته از حقوق جزء ضروری حیات آزادانه و مترقبانه فرد به طور همسان محسوب می شود. حق حیات ، حق آزاد زیستن ، حق نوشتن و منتشر کردن ، حق مالکیت ، حق به دست آوردن و نگه داشتن مال ، حق آزادی بیان ، حق انعقاد قرارداد و معامله، حق تشکیل خانواده و حق کار. دومین شعبه حقوق سیاسی است به این دلیل که هر شهروند عضو سیاسی دولت و در عین حال صاحب صلاحیت سیاسی ست از این نوع حقوق بهره مند می شود حقوق سیاسی به هر شهروند این امکان را می دهد که برابر مقررات قانونی اعم از قانون اساسی و قوانین عادی کشور خود ، در امر حاکمیت ملی شرکت کند. حقوق سیاسی عبارتند از : حق رای دادن ، انتخاب شدن یا برگزیدن ، حق اشتغال در تشکیلات دولتی ، حق شکایت از ماموران دولتی (خالقی، ۳۹ ، ۱۳۸۰). حقوق مدنی و سیاسی به یک معنی ارتباط کاملی با یکدیگر دارند و در عین حال قابل تمیز و تفکیک هستند بدین شکل که حقوق مدنی ملازمه با وجود و حیات انسان دارد و بدون آنها امکان حیات و زندگی نیست در حالی که حقوق سیاسی ملازمه با وجود اجتماعی انسان دارد (گلدوزیان ، ۹۷: ۱۳۸۷). به نظر نگارنده محرومیت از حقوق اجتماعی در نظام حقوقی ایران برابر قوانین در حوزه های چهارگانه امور کیفری ، مدنی ، بازرگانی و اداری قرار گرفته است. بنابراین محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق جزای ایران به عنوان نوعی مجازاتی تعزیری و بازدارنده محسوب شده و به علت ارتکاب برخی جرائم و یا میزان محرومیت ها به نحوه ی مختلفی از جمله به صورت تبعی ، تکمیلی ، مستقل و نوعی اقدام تامینی در قوانین جزائی پیش بینی شده اند.

گفتار دوم: جایگاه محرومیت از حقوق اجتماعی در قوانین جزائی

الف: قوانین مجازات قبل از انقلاب

۱- قانون مجازات عمومی (مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ - ۷ بهمن ماه ۱۳۰۴) «کمسیون عدلیه» مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به طور خاص در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در جرائم از نوع جنایت و جنحه مهم ، قانونگذاری شده است و مصادیق آن در مواد ۸ ، ۹ و ۱۵ این قانون تدوین شده است.

۲- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۳/۷

برخلاف قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، قانونگذار این دوره مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی را از ردیف مجازات های جنایت و جنحه ی تصریح شده در مواد قانونی حذف نمود و فصل سوم این قانون را به مجازاتها و اقدامات تأمینی ، تبعی و تکمیلی اختصاص داد و در ماده ۱۵ پس از تقسیم بندی ، مصادیق آن را در ۹ بند در تبصره ۲ ذکر نموده است. در این قانون ملاک مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی ، ارتکاب جرائم عمدی بوده و بر اساس اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها ، قانونگذار ۱۳۵۲ بهام قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در خصوص جرائم عمدی کارکنان در وزارتخانه ها یا شرکتها ، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت ، سازمانهای مملکتی و سازمانهای مأمور به خدمت عمومی، با تصویب مواد قانونی ذیل تا حدودی مرتفع نموده است. عدم ارائه تعریف مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در قانون قبل از انقلاب را می توان از جمله اشکالات قانونگذار قبل از انقلاب بیان نمود.

ب: قوانین مجازات بعد از انقلاب

۱- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱ بخش کلیات : قانونگذار اسلامی برخلاف قوانین قبل از انقلاب، تقسیم بندی جرائم را حذف و تنها در ماده ۷ مجازاتها را حسب نوع جرائم بر چهار نوع حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم بندی نموده است و

نیز فصل دوم را تحت عنوان مجازاتها و اقدامات تامینی و تربیتی، تبعی و تکمیلی تدوین و در خصوص مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به موارد ذیل اشاره نمود: ماده ۱۱۴ این قانون اشاره می کند: هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به حکم تعزیری محکوم شود، دادگاه می تواند محکوم علیه را به عنوان متمیم حکم تعزیری مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید. تبصره - محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در محل معین باید در مدت معین و به تناسب جرم باشد.

۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷: در این قانون همانند قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱ بدون تقسیم بندی جرائم، باب دوم آن را به مجازاتها و اقدامات تامینی و تربیتی اختصاص و تنها در تقسیم بندی مجازاتها در ماده ۱۲ مجازات های بازدارنده را افزوده و انواع مجازاتها را به پنج دسته حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تقسیم بندی نموده است و در ماده ۱۷ مجازات بازدارنده چنین تعریف شده "تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن، به این ترتیب محرومیت از حقوق اجتماعی را در ردیف مجازاتهای بازدارنده قرار داده است و در ماده ۱۹ این قانون چنین تدوین شده است " دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان متمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور نماید. در ماده ۲۰ قانونگذار تاکید نموده محرومیت از بعضی یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه ی معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم و در مدت معین باشد. قانونگذار اسلامی به علت عدم ارائه تعریف و نوع جرائم مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی اقدام به تصویب و الحاق ماده ۶۲ مکرر در مورخه ۱۳۷۷/۲/۲۷ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ نمود.

ماده ی ۶۲ مکرر: محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به شرح ذیل، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می نماید و پس از انقضاء مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می گردد: محکومان به قطع عضو در جرائم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم - محکومان به شلاق در جرائم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم - محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم، تبصره ی ۱ حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر اتباع مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد از قبیل:

الف: حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی و خبرنگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری ب: عضویت در کلیه انجمن ها و شوراهای جمعیت هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند. ج: عضویت در هیات های منصفه و امناء د: اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری ه: استخدام در وزارت خانه ها، سازمان های دولتی، شرکت ها، موسسات وابسته به دولت، شهرداری ها، موسسات مامور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی، و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی و: وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری ز: انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی ح: استفاده از نشان و مدال های دولتی و عناوین افتخاری.

۳- قانون جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ الحاقی به قانون مجازات اسلامی: این قانون پس از تصویب از مواد ۷۲۹ الی ۷۸۵ به قانون مجازات اسلامی الحاق گردید و از نکاتی که در رابطه با مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی مطرح گردیده است مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تعیین مجازات بر اساس شرایطی از ماده ۸۴۷ به بعد و نیز محرومیت از خدمات الکترونیکی عمومی در ماده ۷۵۵ می باشد که می توان گفت تاسیس جدیدی از مجازاتهای اجتماعی می باشد. قانونگذار در ماده ۷۵۵ بیان داشته است " در صورت تکرار جرم (منظور جرائم رایانه ای) برای بیش از دو بار دادگاه می تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه ی مرتبه ی بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند.

۴- قانون نحوه ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می نمایند (مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۶): در این قانون تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید شدیدترین مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی بر مجرمین اعمال می گردید. ماده ۳ این قانون مقرر نموده عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیر مجاز اعم از این که مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازات های مشروحه ی ذیل محکوم خواهند شد: الف- عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده ی آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه ی اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یک صد میلیون ریال جریمه نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و دویست میلیون ریال جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت ده سال محکوم می شوند چنانچه عوامل فوق الذکر یا موارد زیر از مصادیق مفسد ی الارض شناخته شوند به مجازات آن محکوم می گردند: - تولیدکنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه - تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوء استفاده ی جنسی از دیگران - عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن

در ماده ۵ این قانون مرتکبان جرائم زیر را به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم نموده است: الف: وسیله ی تهدید قرار دادن آثار مستهجن به منظور سوء استفاده ی جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیر قانونی دیگر، ب: تهیه ی فیلم یا عکس از محل هایی که اختصاص بانوان بوده و آنها فاقد پوشش مناسب می باشند مانند حمام ها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن، ج: تهیه ی مخفیانه ی فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن.

۵- لایحه قانون مجازات اسلامی: در این لایحه همانند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ مجازاتها به پنج دسته تقسیم بندی شده است با این تفاوت که جرائم نیز به مانند قوانین جزائی قبل از انقلاب تقسیم بندی شده است: در ماده ۱-۱۲۱ این لایحه، مجازات ها به حد، قصاص، دیه، تعزیر و مجازات بازدارنده تقسیم بندی شده است و در مواد ۷-۱۲۱ و ۸-۱۲۱ قانونگذار مجازات بازدارنده را چنین تعریف نموده است عقوبتی است که از طرف حکومت به موجب قانون برای حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات تعیین می گردد و به دنباله آن بیان داشته نوع، مقدار، کیفیت، تخفیف، تعلیق، تبدیل، سقوط و سایر امور مربوط به تعزیرات و مجازات های بازدارنده را قانون مشخص می کند.

در ماده ۱۰-۱۲۱ بدون تفکیک مجازات های تعزیری و بازدارنده، محرومیت از حقوق اجتماعی را در ردیف هم ذکر نموده است. مجازات های تعزیری و بازدارنده عبارتند از: حبس، تبعید، شلاق، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، الزام به کارهای عام المنفعه، محرومیت یا محدودیت از حقوق، مصادره اموال، تشهیر، اقدامات تأمینی و تربیتی، قانونگذار در مبحث دوم لایحه قانون مجازات اسلامی تحت عنوان تقسیم بندی جرائم، بر اساس شدت و ضعف مجازات را در ماده ۱-۱۲۲ به سه دسته به شرح ذیل تقسیم نموده است و در بنادول محرومیت دائم از حقوق اجتماعی، انفصال دائم از خدمات دولتی و موسسات عمومی، نفی بلد و مصادره اموال را مشمول جرائم از نوع جنایت یا جرائم بزرگ و در بند دوم محرومیت موقت از حقوق اجتماعی و مجازات های اجتماعی، انفصال موقت از خدمات دولتی و موسسات عمومی، نفی بلد و نیز بند سوم تبدیل قانونی حبس به جزای نقدی تا مبلغ ۳۰ میلیون ریال را جرائم متوسط یا خلاف دانسته است و در مورد محرومیت از خدمات عمومی در بند ۱۲ ذیل ماده ۱-۱۲۳ به عنوان قطع موقت خدمات عمومی ذکر نموده است. در لایحه قانون مجازات اسلامی بر خلاف قانون مجازات اسلامی، حقوق اجتماعی را در یک ماده به صورت مستقل تعریف و مصادیق آن را ذکر نموده است. ماده ۴-۱۲۳: حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت ایران منظور نموده است و سلب آن منحصرأ به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد. موارد محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع این ماده عبارتند از: - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی، خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و حق انتخاب شدن به ریاست جمهوری یا عضویت در هیئت وزیران و حق عضویت در تمامی انجمن ها، شوراها، احزاب و جمعیت هایی که اعضای آن به موجب قانون با رأی مردم انتخاب

می‌شوند. - حق عضویت در هیئت‌های شرکت‌های دولتی و عمومی، هیئت‌های منصفه و امن و شوراهای حل اختلاف- حق اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری- حق استخدام در قوای سه‌گانه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نیروهای مسلح و دیگر نهادهای دولتی، شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی- حق وکالت دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری- حق انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی - حق انتخاب شدن به سمت قیّم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام.

۶- قانون آئین دادرسی کیفری (دادگاههای عمومی و انقلاب) در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و لایحه ی آن: در این قانون مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در خصوص عدم اجرای دستورات مقامات قضائی بر علیه ضابطین دادگستری، مقامات و ماموران وزارتخانه ها، سازمانها، موسسات دولتی وابسته به دولت، نهادها، شهرداری ها، ماموران به خدمات عمومی، بانکها، دفاتر اسناد رسمی در مواد ۱۶، ۱۰۵، ۲۸۴ به صورت انفصال از خدمت و حبس اعمال می گردد پس رسیدگی در این قانون شکلی ولی صدور کیفر خواست و آراء در مراحل دادرسی و دادگاه بایستی مستند و مستدل باشد.

۷- قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) لایحه ی مجازات با تغییرات متعدد و قابل انتقاد در مورخه ۱۳۹۲/۲/۱ به عنوان قانون مجازات اسلامی پس از رفع ایرادات توسط مجلس شورای اسلامی به تائید شورای نگهبان رسید. در خصوص مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی تغییراتی برابر ماده ی کلی ۱۹ در تقسیم بندی مجازات های تعزیری بر اساس شدت کیفر به شرح ذیل ایجاد شده است.

- حذف عنوان مجازات های بازدارنده- تقسیم بندی انواع مجازاتهای تعزیری به هشت درجه- این مجازات در ردیف انواع مجازات های تعزیری درجه بندی گردید.- ایجاد حداقل و حداکثر مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی (۶ ماه تا ۱۵ سال)- محرومیت از حقوق اجتماعی بر اثر شدت مجازات از درجه ی ۵ تا ۷- تعیین مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی برای اشخاص حقوقی (درجه ی ۵ تا ۷) از جمله مجازاتهای اجتماعی اشخاص حقوقی، مصادره ی کل اموال، انحلال (درجه ی یک)، ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی و نیز ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه (درجه ی ۵) ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت ۵ سال (درجه ی ۶) و در ادامه ماده ی ۲۰ این قانون بیان داشته در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ی ۱۴۲: (در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده ی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست) این قانون مسئول شناخته شود با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود این امر مانع مجازات شخص حقیقی نیست؛ انحلال شخص حقوقی، مصادره ی کل اموال، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجری حداکثر برای مدت پنج سال، جزای نقدی و انتشار حکم محکومیت به وسیله ی رسانه ها، تبصره ی این ماده به صورت کلی، مجازات های فوق را در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در موارد اعمال حاکمیت غیر مجری اعلام نموده است.

گفتار سوم: انواع و نحوه ی اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در قوانین جزایی

۱- اعمال مجازات با نظر قاضی (مجازات تکمیلی یا ترمیمی)

قانونگذار تعریفی از مجازات های تکمیلی و تبعی ارائه ننموده است ولی در تبصره ی ذیل ماده ی ۱۹ اصلاحی قانون کیفر عمومی مصوب ۱۳۲۸/۴/۷ بیان داشته کیفر تبعی اثر ناشی از حکم است بدون قید در حکم و کیفر تکمیلی همان کیفر تبعی است با این

تفاوت که مثل کیفر اصلی در حکم دادگاه قید می شود و نیز در تبصره ی ۱ ماده ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ موارد محرومیت از حقوق اجتماعی را منحصر در این مجازات ها از نوع تبعی دانسته است. در این خصوص نظریه ی حقوقی شماره ۷/۱۶۰۴ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۸ بیان داشته: کیفر مقرر در ماده ۱۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ کیفر تکمیلی است و نوع و مدت آن باید در حکم قید گردد اما محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج در بندهای سه گانه ماده ۶۲ مکرر قانون موصوف کیفری تبعی بوده و به تبع حکم محکومیت درباره محکوم اجرا می گردد و قید آثار محکومیت در حکم ضرورت ندارد. در این نوع مجازات قانونگذار برابر ماده ی ۲۹، ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ و قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ قانونگذار به دادگاه صالح به طور عموم و قاضی به نحو اخص اختیار داده که می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور نماید و در ماده ۲۰ قانونگذار تاکید نموده محرومیت از بعض یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه ی معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم و در مدت معین باشد، ماده ۷۲۸ به قاضی اختیار داده است که با ملاحظه ی خصوصیات جرم، مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، و مجازات های تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی استفاده نماید در قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲) قانونگذار پس از حذف مجازات های بازدارنده، کلیه ی جرائم به غیر از حد، قصاص و دیه را مشمول مجازات های تعزیری قلمداد نموده است و به همین دلیل در ماده ۱۸ این قانون تعزیر را چنین تعریف نموده است تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نبوده و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون خواهد بود. قانونگذار بدون الزام قانونی در ادامه ی این ماده جهت توجه به مجرم و پیروی از اصول جرم شناسی به دادگاه توصیه نموده در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار دهد: - انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، - شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن، - اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، - سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی. برخلاف ماده ی ۲۹ ق.م.ا. سابق (مصوب ۱۳۷۰) که قانونگذار به دادگاه صالح به طور عموم و قاضی به نحو اخص اختیار داده که می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور نماید در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) با تفاوت عمده در فصل دوم با عنوان مجازات های تکمیلی و تبعی در ماده ۲۳ بیان داشته دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه شش محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی محکوم نماید:

تفاوت اینجاست که در ماده ۲۳ ق.م.ا. جدید (مصوب ۱۳۹۲) بعضی از مصادیق مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تکمیلی اعمال می گردد از جمله اقامت اجباری در محل معین، منع از اقامت در محل یا محل های معین، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، انفعال از خدمات دولتی و عمومی، منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي، منع از حمل سلاح، منع از خروج اتباع ایران از کشور، اخراج بیگانگان از کشور، منع از عضویت در احزاب، گروهها و دسته جات سیاسی یا اجتماعی و انتشار حکم محکومیت قطعی و برخی از اقدامات تکمیلی نظیر الزام به خدمات عمومی، توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه ای که در ارتکاب جرم دخالت داشته است، الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین و الزام به تحصیل دارای جنبه ی اقدامات تأمینی می باشند. برابر تبصره ی ذیل این ماده حداکثر مدت این مجازات ها دو سال است ولی به علت ایجاد تلفیق با مجازات تبعی موضوع ماده ی ۲۵ این قانون در ادامه گفته مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نموده است. قانونگذار بیان نموده دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه شش محکوم نموده است به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی محکوم نماید: به نظر نگارنده این ماده دارای ایراد های اساسی به شرح ذیل

است. اولاً: در این ماده مصادیق مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی با چند مورد مجازات تکمیلی دارای خصیصه ی اقدام تامینی تدوین گردیده است. ثانیاً: صرف ارتکاب جرم عمدی در این ماده مجرم مشمول مجازات تکمیلی نمی گردد بلکه شرط لازم محرومیت به حد، قصاص و مجازات های تعزیری تا درجه شش می باشد یعنی محدودیت اختیار دادگاهها: برابر ماده ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برخی از جرائم حدی و یا توقف قصاص و نیز مجازات های تعزیری درجه ۵ و ۶ محکوم علیه را پس از اجرای حکم به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به صورت تبعی محکوم می نماید. درمقایسه با ماده ی ۲۹، قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ قانونگذار به دادگاه صالح به طور عموم و قاضی به نحو اخص اختیار داده بود می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان متمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور نماید ولی در ماده ی ۲۵ قانون جدید ارتکاب جرم عمدی از نوع تعزیر یا بازدارنده تنها مطرح نیست بلکه جرائم حدی، قصاص و انواع مجازات های تعزیری تا درجه ششم را مشخص گردیده است. در اینجا لازم است بدانیم انواع جرائم حدی و مجازات های تعزیری تا درجه ی ۶ در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ که شامل مصادیق مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی از نوع تکمیلی می گردند، کدامند؟

- جرائم موجب حد در کتاب دوم حدود از مواد ۲۱۷ الی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ عبارتند از: زنا، لواط، تفخیز، مساقحه، قوادی، قذف، سب نبی، مصرف مسکر، سرقت حدی، محاربه و بغی و افساد فی الارض.

- جرائم تعزیری تا درجه ۶ برابر ماده ی ۱۹ این قانون به شرح ذیل می باشد:

ماده ۱۹- مجازاتهای تعزیری مقرر برای اشخاص حقیقی به هشت درجه تقسیم می شود: درجه ۱- حبس بیش از بیست و پنج تا سی سال- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال- مصادره اموال، درجه ۲- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال، درجه ۳- حبس بیش از ده تا پانزده سال، جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال، درجه ۴- حبس بیش از پنج تا ده سال، جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰.۰۰۰.۰۰۰)، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی، درجه ۵- حبس بیش از دو تا پنج سال، جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال، ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی و نیز ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای {جهت} افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی، درجه ۶- حبس بیش از شش ماه تا دو سال، جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال. شلاق از سی و یک تا نود و نه ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال، انتشار حکم قطعی در رسانه ها، و ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای {جهت} افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از اصدار (صدور) برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال.

توضیح اینکه در مجازات های تعزیری درجه ی یک تا چهار فقط اعمال دو یا چند مجازات از انواع مجازات تکمیلی با رعایت تناسب بین جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم با درج در حکم یا دادنامه توسط دادگاه مناسب تر است تا مجازات های درجه ۵ و ۶ که در آن به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی برای اشخاص حقیقی و حقوقی، در نظر گرفته شده است و به همین دلیل است که قانونگذار در تبصره ی ۲ ذیل ماده ی ۲۳ مقرر داشته در صورتی که مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشند فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد. بنابراین اعمال مصادیق مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تکمیلی در این قانون تدوین شده است و برابر ماده ی ۲۴ ضمانت اجرای عدم رعایت حکم، افزایش مدت مجازات تکمیلی یا تبدیل به حبس یا جزای نقدی درجه ی هفت یا هشت می باشد و نیز در صورت گذشت نیمی از مدت مجازات تکمیلی در صورت اطمینان از اصلاح مجرم و عدم تکرار جرم، با پیشنهاد قاضی اجرای حکم نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی اقدام نماید. برابر تبصره ی

یک ذیل ماده ی ۲۳ این قانون حداکثر مدت مجازات تکمیلی را دو سال در نظر گرفته است لیکن در ادامه بیان داشته مگر که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. بیان اینکه مگر قانون به نحو دیگری مقرر نموده است برخلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست یعنی عدم وجود نص صریح قانون می باشد. با توجه به الحاق ناقص و قابل انتقاد لایحه ی مجازات های جایگزین حبس از مواد ۶۳ تا ۸۶ به قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار با ایرادهای اساسی دیگری در خصوص مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از انواع مجازات جایگزین حبس مواجه گردیده به طور مثال در ماده ی ۸۶ به دادگاه این اختیار را داده است تا با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات های تبعی و یا تکمیلی به مدت حداکثر تا دو سال محکوم نماید.

اولا: بیان یک یا چند مورد از مجازات های تبعی یعنی اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی برابر تبصره ی یک ذیل ماده ی ۱۹ این قانون که گفته موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شد یعنی اعمال یک یا چند مورد از مصادیق حقوق اجتماعی در ماده ی ۲۶ تنها برای رفع ایراد حذف بقیه ی مواد لایحه ی مجازات های اجتماعی جایگزین زندان از مواد ۲۹ تا ۳۰ در مورد محرومیت از حقوق اجتماعی بوده است. ثانيا: در ماده ی ۶۳ این قانون یکی از انواع مجازات های جایگزین حبس را محرومیت از حقوق اجتماعی ذکر نموده است و اگر مجازات تبعی همان محرومیت از حقوق اجتماعی است دیگر دلیلی نداشت قانونگذار از عنوان مجازات تبعی در این ماده استفاده کند. ثالثا: اعمال مجازات تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی فقط در جرائم مشمول ماده ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صدق می نماید. رابعا: استفاده از مجازات های تکمیلی یعنی قرار دادن آنها به عنوان مجازات های جایگزین حبس، برخلاف ماده ی ۶۳ و رعایت نمودن تفکیک در این مجازات‌ها به دلیل عدم بررسی و کارشناسی ضعیف در تدوین این قانون می باشد.

۲- اعمال مجازات بر اساس نوع و میزان مجازات (مجازات تبعی):

مجازات تبعی عبارتست از مجازاتی که علاوه بر مجازات اصلی، خود به خود و بدون ذکر آن در حکم دادگاه به موجب قانون بر محکومیت اعمال می گردد به بیانی دیگر ضمانت اجرای تبعی عبارت است از مجازاتی که نیازی به ذکر آن در حکم محکومیت کیفری نیست. بلکه اثری ناشی از حکم می باشد. گاه اهمیت جرم یا وضعیت مجرم به گونه ای است که قانونگذار نه تنها بر اجرای مجازات اصلی و حتی تکمیلی در مورد آن اکتفا نمی کند بلکه مجرد صدور حکم محکومیت از سوی قاضی منشاء یک دسته مجازات های دیگری است این مجازات ها را که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می گردند اصطلاحا مجازات های تبعی می نامند (صبری، ۱۶۳: ۱۳۹۰) به طور مثال جرائم موضوع مواد ۶۲ مکرر ق. م. ا سابق مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۲۵ ق. م. ا جدید مصوب ۱۳۹۲ برداشتی دیگری که از مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی شده این است که آن را یکی از مصادیق عمده ی مجازات تبعی است دانسته اند و در نقد تعریف مجازات تبعی گفته شده محرومیت از حقوق اجتماعی لزوما به معنای مجازات تبعی نیست و بین این دو مفهوم عموم و خصوص من وجه وجود دارد و ممکن است در قالب مجازات اصلی و تکمیلی نیز صورت بگیرد (رستمی غازی، واعظی، ۷۰: ۱۳۸۹) و این اتفاق حاصل گردیده که این مجازاتی است که خود به خود و بدون لزوم ذکر در حکم دادگاه بر مرتکب جرم اعمال می گردد و محرومیت از حقوق اجتماعی یکی از مصادیق مجازات تبعی و منحصر به آن نمی باشد و نکته ی دیگر آنکه مجازات تبعی می تواند به سبب ارتکاب جرم خاص و یا محکومیت به جرم یا مجازات خاص و یا به سبب تحمل مجازات خاص بر شخص اعمال می گردد از این رو می توان مجازات تبعی را مجازاتی دانست که به موجب قانون و بدون نیاز به حکم قضائی به سبب ارتکاب جرم خاص یا محکومیت به ارتکاب جرم و یا مجازات خاص و یا تحمل مجازات خاص بر شخص بار می شود به نظر نگارنده اصل بر این است محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی یکی از انواع مجازات های جایگزین حبس است ولی به علت نحوه ی اعمال آن در قوانین جزائی است که تحت عناوینی همچون مجازات اصلی یا مستقل، تبعی و تکمیلی تبیین گردیده است و به همین دلیل در ماده ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار مقرر نموده محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجراء حکم یا شمول مرور زمان، در مدت مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محکوم می

کند. ماده ۲۵- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، محکوم را پس از اجراء حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: ۱- هفت سال در محکومیت به مجازاتهای سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجراء حکم اصلی، ۲- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار، ۳- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج. تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهیهای صادرشده از مراجع ذی‌ربط منعکس نخواهد شد، مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات. تبصره ۲- در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجراء مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود. تبصره ۳- در آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجراء حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم خواهد بود.

ماده ۲۶- حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است: ۱- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۲- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور، ۳- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دیوان عدالت اداری، ۴- عضویت در انجمنها، شوراهای، احزاب و جمعیت‌هایی که اعضاء آن به‌موجب قانون یا با رأی مردم انتخاب می‌شوند، ۵- عضویت در هیأت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف، ۶- اشتغال به‌عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی، ۷- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاههای حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمانها و شرکت‌های وابسته به آنها، صدا و سیما، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداریها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و آن دسته از دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم تصریح یا ذکر نام است، ۸- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتراری، ۹- انتخاب شدن به سمت قیام، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام، ۱۰- انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی، ۱۱- استفاده از نشانهای دولتی و عناوین افتخاری، ۱۲- تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکتهای دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.

تبصره ۱- مستخدمان دستگاههای حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، از خدمت منفصل خواهند شد. ۲- هر کس به‌عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده قبل اعاده حیثیت خواهد شد و آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد مگر در مورد بندهای (۱)، (۲) و (۳) این ماده که از حقوق مزبور به‌طور دائمی محروم خواهد شد. ۳- در آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. آنچه از بررسی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به صورت تبعی در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون جدید به دست می‌آید رفع ابهامات ماده ۶۲ مکرر و تبصره‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بوده است هرچند تعریف حقوق اجتماعی در این قانون حذف گردیده و صرفاً به مصادیق آن در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره شده است. تغییرات ایجاد شده در خصوص مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان تبعی به شرح ذیل می‌باشد:

۱- محکومیت در خصوص جرم عمدی باید قطعی باشد. ۲- پس از اجراء یا شمول مرور زمان این مجازات قابلیت اعمال دارد. ۳- جرائم و مدت مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی افزایش یافته است. هفت سال در محکومیت به مجازاتهای سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجراء حکم اصلی، سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار، دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج، ۴- انفصال مستخدمان دولتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی برابر تبصره ۱ ذیل ماده ۲۵ تبصره ۱ مستخدمان دستگاههای حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه

به عنوان مجازات اصلی باشد و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل خواهند شد. ۵- اعمال مجازات محرومیت دائم از برخی مصادیق حقوق اجتماعی از جمله: ۱- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۲- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور، ۳- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دیوان عدالت اداری.

در خصوص آثار تبعی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی در خصوص عدم لزوم قید در متن حکم و گواهی عدم سوء پیشینه، نظریه حقوقی شماره ۷/۳۷۳۴ مورخ ۱۳۷۷/۵/۲۰ در مورد ماده ۶۲ مکرر قانون سابق (۱۳۷۰) چنین عنوان نموده است: محرومیت از حقوق اجتماعی، موضوع ماده ۶۲ مکرر ق.ا.م. از آثار تبعی مجازاتهای مذکور در آن ماده است. به عبارت دیگر، صرف محکومیت به مجازاتهای مندرج در ماده یاد شده، موجب محرومیت از حقوق اجتماعی و موجب سوء پیشینه کیفری خواهد شد و همین دلیل قید محرومیت های اجتماعی در متن حکم لازم نیست و اجرای احکام هم، حسب مورد تا انقضای مدت محرومیت، گواهی عدم سوء پیشینه به اینگونه محکومین نخواهد داد. قانونگذار در مورد درج محکومیت کیفری سوابق محکوم تنها در مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی از نوع تبعی تاکید داشته است و به همین دلیل در تبصره ۱ ذیل ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی جدید (۱۳۹۲) بیان داشته "در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می شود لکن در گواهی های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی گردد، مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات

۳- مجازات اصلی (مستقل): تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون مجازات فعالیت غیرمجاز در امور سمعی و بصری مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶، شدیدترین مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی تا ده سال برای مجرمین این گونه جرائم در نظر گرفته شده بود ولی باتصویب قانون مجازات اسلامی مدت این مجازات تا پانزده سال در نظر گرفته شده است. در این قانون مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات اصلی در مواد ۳، تبصره ۳ ذیل همین ماده، مواد ۵ و ۸ در نظر گرفته شده است. علاوه بر اینکه مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات اصلی با حبس، جریمه نقدی و ضبط تجهیزات همراه گردیده است در تبصره ۱ ذیل ماده ۳ این قانون، قانونگذار به دادگاه اختیار صدور حکم حداقل و حداکثر مجازاتهای شلاق، جزای نقدی و مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی را داده است. بنابراین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حداقل و حداکثر مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تعزیری شش ماه تا پانزده سال در نظر گرفته شده است.

- محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تعزیری درجه ۵ از پنج سال تا پانزده سال

- محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تعزیری درجه ۶ از بیش از شش ماه تا پنج سال

- محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تعزیری درجه ۷ تا شش ماه

لازم به ذکر است از مواد ۲۹ الی ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعمال برخی از مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی را مستلزم اقدامی دیگر به شرح ذیل دانسته است: - منع اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین را مستلزم لغو جواز کار یا پروانه ی کسب دانسته است مشروط بر اینکه جرم به سبب این موارد ارتکاب یافته یا آن اشتغال وقوع آن را تسهیل نموده باشد. - منع از رانندگی و تصدی وسیله ی نقلیه ی موتوری مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است. - منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگه های سفید دسته چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است. - منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح خواهد بود. - منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است. - اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه است. - در صورت عدم اخراج در نظم یا امنیت، انتشار حکم محکومیت قطعی در یکی از روزنامه های محلی در جرائم موجب حد، محاربه و افساد فی الارض، تعزیر تا درجه ۴ و کاهبرداری تا بیش از یک میلیارد ریال ولی انتشار حکم در رسانه ی ملی یا یکی از

روزنامه های کثیرالانتشار در خصوص محکومیت قطعی به جرائم رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله ی وزراء، نمایندگان مجلس و کارمندان دولتی در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات خارجی، اخذ پورسانت در معاملات دولتی، تعديات مامورین دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دلتی در صورتی که میزان مال موضوع جرم ارتكابی یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد برای دادگاه الزامی است.

گفتار چهارم: بررسی محرومیت از حقوق اجتماعی

۱- جایگاه محرومیت از حقوق اجتماعی به طور اخص تحت عنوان مجازات اصلی، تتمیمی (تکمیلی)، تبعی در قوانین جزایی قبل، بعد از انقلاب و نیز لایحه ی و قانون مجازات اسلامی جدید تعیین گردیده است ولی اینکه در ردیف کدامیک از مجازات های مقرر از جمله حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات های بازدارنده قرار گرفته است با توجه به بررسی این قوانین ابتدا برابر ماده ی ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی {سابق} مصوب ۱۳۷۰ از نوع مجازات های بازدارنده ذکر شده است سپس در ماده ۱۰-۱۲۱ لایحه ی قانون مجازات اسلامی بدون هیچ گونه تفکیکی بین انواع مجازات های تعزیری و بازدارنده آنها را به حبس، تبعید، جزای نقدی روزانه، الزام به کارهای عام المنفعه، محرومیت یا محدودیت از حقوق، مصادره ی اموال، تشهیر، اقدامات تأمینی و تربیتی تقسیم بندی نموده ولی با تصویب این لایحه ی تغییر یافته و قابل انتقاد توسط مجلس شورای اسلامی و تائید آن، در مورخه ۱۳۹۲/۲/۱ توسط شورای نگهبان، تقسیم بندی جرائم مجدداً حذف و مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در ماده ۱۹ در ردیف مجازات های تعزیری قرار گرفته است. آنچه قابل فهم است بازدارنده یا بازدارندگی وصف هر مجازاتی می باشد و به مجازات خاصی تعلق ندارد و انتخاب وصف بازدارندگی برای کیفرهای مذکور در ماده ۱۷ که سابقاً تعزیرات حکومتی نامیده می شوند فقط به جهت معین بودن نوع و میزان آن است بنابراین وجه ممیزه ی تعزیر از بازدارنده وجود سابقه و ریشه شرعی و فقهی برای تعزیر است. با عنایت به تعریف تعزیرات شرعی در تبصره ی ۱ ماده ۲ قانون آئین دادرسی در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که بیان داشته تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده است این تعریف با کمی تفاوت در ماده ی ۶-۱۲۱ لایحه قانون مجازات اسلامی گفته شده تعزیر عبارت است از مجازات شلاق یا سایر مجازات هایی که در شرع مقدس بر ارتکاب گناهان کبیره به شرح مندرج در این قانون مقرر شده و مقدار یا اجرایی آن به نظم حاکم واگذار شده است و در ادامه مقدار شلاق تعزیری را جزء در مقدار معین آن در شرع، کمتر از ۷۵ ضربه عنوان نموده است. پس می توان گفت بین اصطلاحات تعزیر و مجازات بازدارنده رابطه ی عمومی و خصوص مطلق وجود دارد. به بیان دیگر اصطلاح تعزیر شامل مجازات بازدارنده هم می شود لیکن اصطلاح مجازات بازدارنده شامل تعزیرات شرعی نیست ۱۵ (شکری و سیروس، ۱۳۸۹ ص ۵۳). به همین دلیل و با تغییرات متعدد در لایحه با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ اصطلاح مجازات بازدارنده از ردیف انواع مجازات ها در ماده ی ۱۴ این قانون حذف گردیده است.

۲- آنچه که طی بررسی قوانین جزائی ایران در مورد مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی به دست می آید افزایش سلب حقوق اشخاص طی مدت قانونگذاری می باشد: قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بدون تعریف حقوق اجتماعی، در ماده ی ۱۵ محرومیت به آن را مستلزم عواقبی از جمله محرومیت از استخدام دولتی و استعمال نشانهای دولتی، محرومیت از حق انتخاب کردن و منتخب شدن خواه در مجالس مقننه و خواه در مؤسسه وانجمن های اجتماعی از قبیل انجمنهای ایالتی و ولایاتی و بلدی و غیره و محرومیت از عضویت هیأت منصفه و شغل مدیری و معلمی در مدارس و روزنامه نویسی و مصدقی و حکم یا شاهد تحقیق شدن دانسته است. قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ نیز تعریفی از حقوق اجتماعی ارائه نموده است و تنها تبصره ی ۲ ذیل ماده ۱۵ این قانون محرومیت از حقوق اجتماعی در ۹ مورد احصاء نموده است در قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ نیز حقوق اجتماعی تعریف نشده بود لیکن پس از مدتی قانونگذار اقدام به تصویب و الحاق ماده ۶۲ مکرر در مورخه ۱۳۷۷/۲/۲۷ نمود.

ماده ۴-۱۲۳: حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت ایران منظور نموده است و سلب آن منحصراً به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد. موارد محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع این ماده عبارتند از: - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی، خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و حق انتخاب شدن به ریاست جمهوری یا عضویت در هیئت وزیران و حق عضویت در تمامی انجمن‌ها، شوراها، احزاب و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون با رأی مردم انتخاب می‌شوند. حق عضویت در هیئت‌های شرکت‌های دولتی و عمومی، هیئت‌های منصفه و امنای و شوراهای حل اختلاف، حق اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری؛ حق استخدام در قوای سه‌گانه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نیروهای مسلح و دیگر نهادهای دولتی، شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی - حق وکالت دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری - حق انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی - حق انتخاب شدن به سمت قیّم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام - حق استفاده از نشان‌های دولتی و بهره‌مندی از عناوین افتخاری - حق تأسیس شرکت یا ثبت هرگونه بنگاه تجارّتی یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، علمی و غیره. بنابراین با تصویب لایحه قانون مجازات اسلامی و تأیید آن در مورخه ۱۳۹۲/۲/۱ در حالی انجام پذیرفت که متأسفانه با تغییرات عمده در مواد قانونی آن صورت گرفت به طوری که تعریف حقوق اجتماعی حذف و تنها در ماده ۲۶ به ذکر مصادیق دوازده گانه ی حقوق اجتماعی پرداخته است.

ماده ۲۶- حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است: ۱- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۲- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور، ۳- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دیوان عدالت اداری، ۴- عضویت در انجمن‌ها، شوراها، احزاب و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون یا با رأی مردم انتخاب می‌شوند، ۵- عضویت در هیأت‌های منصفه و امنای و شوراهای حل اختلاف، ۶- اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی، ۷- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمانها و شرکت‌های وابسته به آنها، صدا و سیما، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداریها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و آن دسته از دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم تصریح یا ذکر نام است، ۸- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری، ۹- انتخاب شدن به سمت قیّم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام، ۱۰- انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی، ۱۱- استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری، ۱۲- تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارّتی یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی. با نگاهی تطبیقی به قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۳ ماده ۲۶-۱۳۱ محرومیت‌ها را به سه نوع حقوق اجتماعی، مدنی و خانوادگی منحصر و موارد آن را به ۵ دسته تقسیم بندی نموده است:

۱- حق رای دادن، ۲- حق انتخاب شدن، ۳- حق تصدی مشاغل قضائی یا کارشناسی در دادگاه یا معاضدت به یکی از طرف دعوا در دادگاه، ۴- حق شهادت در دادگاه، حق سرپرستی یا قیمومت

۲- می‌توان گفت قانونگذار فرانسه در تدوین این مجازات ایجاد محرومیت را موجب سلب حقوق اشخاص دانسته است به همین دلیل در تقسیم بندی بندی از کلمه ی مفرد حق در محرومیت های اجتماعی، مدنی و خانوادگی استفاده نموده است هرچند محرومیت اشخاص از حق رای دادن با اصول قوانین اساسی کشورها و قواعد بین المللی در تضاد است و نیز علیرغم برتری فقه اسلامی، نمی‌توان منکر این حقیقت شد که سابقه ی قانونگذاری تدوین منظم مواد قانونی، ایجاد شیوه های نوین مجازات های جایگزین حبس از موارد برتری این قانون نسبت به قانون مجازات اسلامی نمی باشد.

۳- شرایط و نحوه ی اعمال: به نظر مهمترین بحث نحوه ی اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی با عنوان اصلی، تکمیلی یا متمیمی در حقوق جزای ایران می باشد هرچند اعمال این مجازات در قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ نیز با تدابیر جلوگیری

از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره ی مجرمین خطرناک اعمال می گردید ولی با تصویب لایحه به قانون مجازات اسلامی در مورخه ۱۳۹۲/۲/۱ به همراه قانون تعریف محکومیت های موثر در قوانین جزائی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی نسخ گردیده است. قبل از اینکه به نحوه ی اعمال محرومیت از حقوق اجتماعی اشاره شود باید به این نکته قابل ذکر است که شرط اصلی اعمال این مجازات صدور حکم به محکومیت قطعی در جرائم عمدی است. برای اعمال محرومیت از حقوق اجتماعی حصول شرایط خاصی ضروری است و بدون تحقق آن شرایط، اجرا و اعمال آن وجاهت قانونی ندارد. ضرورت تحقق شرایط موصوف صرف نظر از این امر است که محرومیت مذکور به عنوان مجازات تبعی و تکمیلی به کار می رود یا بعنوان مجازات اصلی مورد استفاده واقع و یا حتی بعنوان اقدام تامینی مورد نظر باشد. البته در صورتی که از این مجازات بعنوان یک اقدام تامینی استفاده شود، تحقق شرایط دیگری علاوه بر شرایط مشترک ضروری است. در اینجا ابتدا به شرایطی که برای اعمال این محرومیت در کلیه حالات یاد شده مشترک است اشاره می کنیم، سپس به شرایط اختصاصی مربوط به اقدام تامینی می پردازیم.

شرط اول: عمدی بودن جرم ارتكابی

طبق نص صریح مواد ۱۹ و ۶۲ مکرر ق.م.ا. اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ و ماده ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۴ باید جرم ارتكابی عمدی باشد، بنابراین اعمال هر نوع محرومیت از حقوق اجتماعی در جرایم غیر عمدی خلاف قانون می باشد، اگر چه میزان مجازات حبس محکوم علیه به نصاب مذکور در بند ۳ ماده ۶۲ مکرر هم برسد. البته در مواردی که طبق نص قانونی خاص، محرومیت از حق معینی برای جرایم غیر عمدی مقرر شده باشد، از شمول این شرط مستثنی است؛ مانند ذیل ماده ۷۱۸ ق.م.ا. که محرومیت از حق رانندگی یا تصدی از وسایل موتوری را برای قتل غیر عمدی یا سایر صدمات بدنی مذکور در مواد ۷۱۴ تا ۷۱۶ به عنوان تشدید مجازات، مقرر داشته است. در مورد این مسأله که محرومیت از حق رانندگی در ماده مذکور که جایگزین ماده ۲ قانون تشدید مجازات رانندگان شده است، جزو مجازات های تکمیلی است و در نتیجه قابل تعلیق می باشد و یا جنبه اقدام تامینی دارد که در این صورت غیر قابل تعلیق خواهد بود، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد و باتوجه به مواد ۸ و ۹ لایحه اقدامات تامینی، اگر گفته شود این محرومیت یک اقدام تامینی است مناسبتر می باشد، لیکن هیأت عمومی دیوان عالی کشور طی یک رای وحدت رویه، این نوع محرومیت از رانندگی را جزء مجازاتهای تکمیلی و قابل تعلیق اعلام کرده است.

شرط دوم: استفاده از آن یا اشتغال به آن کسب یا حرفه و شغل احتیاج به اجازه خاص مقامات دولتی داشته باشد (۱۶ رهامی، ۱۳۸۰ صص ۱۲-۱۳) در غیر این صورت، اعمال محرومیت از حق اجتماعی، خلاف مقررات است، گرچه بدو امکان است به نظر برسد که این شرط در واقع ناشی از تعریف «حق اجتماعی» است بنابراین صرف ذکر عبارت "محرومیت از حقوق اجتماعی" برای تحقق این شرط کفایت می کند لیکن منظور این است که بخشی از حقوق افراد جامعه مستلزم اجازه خاص مقامات حکومتی نیست، بلکه ناشی از قوانین ومقررات عمومی از جمله قوانین اساسی و مدنی و قواعد مذهبی وامثال آن است، مانند حق ولایت، حق قضاوت و مالکیت و یا حق انتخاب شغل ومسکن و جز آن که از این حقوق تحت عناوینی همچون حقوق شخصی، مدنی، مالی و... یاد می شود و صرف صدور حکم محرومیت از حقوق اجتماعی موجب محرومیت از این گونه حقوق نمی شود. مگر اینکه به موجب نصوص قانونی دیگر، یا تصریح در حکم دادگاه، شخصی مشمول چنین محرومیتی واقع گردد بلکه تنها آن دسته از حقوق اجتماعی که اجازه و ترتیب خاصی جهت استفاده از آنها در قوانین پیش بینی شده، مشمول "محرومیت از حقوق اجتماعی" خواهد شد. مثلاً حق شرکت درانتخابات مجلس و ریاست جمهوری و امثال آن یک حق اجتماعی است ولی احتیاج به اجازه خاص مقامات دولتی ندارد و کلیه اتباع ایرانی در صورت رسیدن به سنی که قانون جهت رأی دهندگان تعیین کرده است و به شرط عدم جنون، می توانند از این حق استفاده کنند، اما حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلی شورای اسلامی، یا مجلس خبرگان و شوراها و یا استخدام در مشاغل دولتی وعضویت در هیأت های منصفه و کانون وکلاء و مانند آنها احتیاج به اجازه خاص مقامات ذی صلاح دولتی دارد، در نتیجه این نوع حقوق مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی خواهد شد.

شرط سوم: نوع جرم ارتكابی: طبق ماده ۱۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ اعمال هر نوع مجازات تکمیلی از جمله محرومیت از حقوق اجتماعی فقط در جرایم مستوجب تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده ممکن است و در مورد سایر جرایم، یعنی جرایم مستوجب حدود و قصاص و دیات، مجازات تکمیلی و تتمیمی قابل اعمال نیست ولی با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ محرومیت از حقوق اجتماعی علاوه بر جرائم تعزیری تا درجه ی ۶ در حدود و قصاص نیز به عنوان مجازات تکمیلی و تبعی در ماده ی ۲۳ پیش بینی گردیده است. اما در موردی که محرومیت از بعض حقوق اجتماعی به عنوان یک اقدام تأمینی مورد نظر باشد، وجود شرایط دیگری نیز ضروری است، این شرایط طبق ماده ۹ لایحه قانونی اقدامات تأمینی عبارتند از: جرم ارتكابی به دلیل اشتغال به کسب یا حرفه یا شغل معینی صورت گرفته باشد یا اینکه شخص مذکور، قبلاً نیز مرتکب این جرم شده باشد {تکرار جرم} و دادگاه حالت او را «خطرناک» تشخیص دهد؛ بدین ترتیب، جهت اعمال "محرومیت از حقوق اجتماعی" بعنوان اقدام تأمینی علاوه بر شرط «عمدی بودن جرم ارتكابی» و نیز شرط لزوم اذن مقامات برای اشتغال به حرفه یا شغل خاص باید شرایط فوق الذکر نیز تحقق یابد در مورد نوع جرم ارتكابی نیز در ماده ۹ لایحه اقدامات تأمینی به "جرایم جنحه و جنایت" اشاره شده که با توجه به اینکه در حال حاضر ملاک تقسیم بندی جرایم تغییر یافته است، باید گفت بر اساس تعریفی که در موارد ۸ و ۹ قانون مجازات عمومی از جرایم جنحه و جنایت ارائه شده بود در حال حاضر علاوه بر جرایمی که مجازات آنها اعدام، حبس دائم، حبس تعزیری، بیش از دو سال می باشد، جرایمی که نیز مجازات آنها بیش از ۶۱ روز حبس باشد، مشمول ماده ۹ قانون اقدامات تأمینی می گردد ولی در مورد جرایم مستوجب جزای نقدی، موضوع محل تردید است و بر اساس قاعده تفسیر به نفع متهم، اعمال مجازاتهای تبعی به عنوان اقدام تأمینی در جرایمی که صرفاً مستوجب جزای نقدی می باشد، محل اشکال است ۱۷ (رهامی، ۱۶: ۱۳۸۰).

نتیجه گیری

با تصویب لایحه قانون مجازات اسلامی که با تغییرات متعدد و قابل انتقاد صورت گرفته است، صرفه نظر از ایرادات نگارشی، شکلی و ماهوی ایجاد شده. در مورد مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی تغییرات عمده به شرح ذیل صورت گرفته است:

۱- حذف عنوان مجازاتهای بازدارنده که مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در ردیف آن بوده است در حالی انجام شده که کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ تنها مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ و ۷۲۷ حذف گردیده است و این قانون همچنان ضمانت اجرایی دارد. ۲- تقسیم بندی مجازاتهای تعزیری به هشت درجه در ماده ۱۹ که مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در ردیف آن قرار گرفته است. ۳- مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به صورت عام از درجه ی ۵ تا ۷ از نوع مجازات تعزیری از حداقل ۶ ماه تا حداکثر پانزده سال در نظر گرفته شده است. ۴- مجازاتهای محرومیت از حقوق اجتماعی به طور خاص نظیر مصادره ی کل اموال «درجه ی یک»، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی «درجه ی ۴» و انتشار حکم قطعی در رسانه ها «درجه ی ۶» -۵ حذف مبحث اعاده ی حیثیت از نوع قضائی مواد ۱-۱۶۶ و ۲-۱۶۶ و تبصره آن موجود در لایحه و تنها اشاره به اعاده ی حیثیت به عنوان قانونی و ذکر آن در تبصره ی ۲ ذیل ماده ی ۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید (۱۳۹۲) "هرکس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده ی ۲۵ اعاده ی حیثیت می شود. ۶- تعیین محرومیت دائم از حقوق اجتماعی به عنوان تبعی برای مصادیق حقوق اجتماعی در بند های الف، ب و پ ذیل ماده ی ۲۶، الف: داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شورای اسلامی شهر و روستا - ب: عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیات دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور - پ: تصدی ریاست قوه ی قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری ۷- انفصال مستخدمان دستگاه های حکومتی در صورت اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی تحت عناوین مستقل، تبعی و تکمیلی در مدت مقرر در حکم یا قانون ۸- استلزام مرجع قضائی در هنگام صدور حکم برخی از مجازاتهای محرومیت از حقوق اجتماعی از نوع تکمیلی در خصوص منع اشتغال به شغل، کسب حرفه یا کار معین به لغو جواز کار یا پروانه ی کسب، مشروط بر اینکه جرم به همین سبب بوده یا وقوع آن به همین دلیل تسهیل شده است (ماده ی ۲۹)، منع از رانندگی و تصدی وسیله ی نقلیه موتوری

مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است (ماده ی ۳۰) ، منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگه های سفید دسته چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است (ماده ی ۳۱) ، منع از حمل اسلحه ی مجاز مستلزم ابطال پروانه ی حمل و توقیف ساح است ، (ماده ی ۳۲) ، منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است (ماده ی ۳۳) ، اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و یا حکم دادگاه انجام می شود (ماده ی ۳۴) ۹- اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی با انتشار حکم محکومیت قطعی در روزنامه های محلی ، رسانه ی ملی و یا روزنامه های کثیرالانتشار در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض ، تعزیر تا درجه ی ۴ و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال به صورت مشروط در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یک نوبت و در یکی از روزنامه های ملی (ماده ی ۳۵) و انتشار حکم محکومیت برخی از جرائم که میزان مال موضوع جرم ارتكابی یک میلیارد ریال یا بیش از آن است برابر تبصره ی ذیل ماده ی ۳۵ همین قانون برای مرجع قضائی الزامی استجرائم : رشاء و ارتشاء ، اختلاس ، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری ، مداخله ی وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ، تبانی در معاملات خارجی ، اخذ پورسانت در معاملات دولتی ، تعدیات مامورین دولتی نسبت به دولت ، جرائم گمرکی ، قاچاق کالا و ارز ، جرائم مالیاتی ، پولشویی ، اخلال در نظام اقتصادی کشور ، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی و دولتی ۱۰- ایجاد مجازات برای اشخاص حقوقی از جمله انحلال ، مصادره ی کل اموال (مجازات تعزیری درجه ی یک) و جزای نقدی، و تعیین مجازات محرومیت اشخاص حقوقی به ممنوعیت دائم یا موقت تا پنج سال از یک یا چند فعالیت شغلی ، دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و نیز ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری در ذیل ماده ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید قانون گذاری گردیده است ۱۱- تعیین مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی نوع تکمیلی، شرایط و ضمانت عدم اجرای آن توسط محکوم در مواد ۲۳ و ۲۴ این قانون با وصف اقدامات تامینی و تعیین مدت حداکثر تا دو سال ۱۲- رفع نسبی ایرادات مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی ، موجود در ماده ی ۶۲ مکرر و تبصره های قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) در ماده ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی جدید. ۱۳- حذف تعریف حقوق اجتماعی موجود در قانون سابق و ارائه ی مصادیق آن در ماده ی ۲۶- ۱۴- رعایت نسبی اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها در قانون مجازات اسلامی جدید ۱۳۹۲. ۱۵- عدم تصویب لایحه مجازات های جایگزین زندان والحاق ناقص و قابل انتقاد آن از مواد ۶۳ الی ۸۶ به قانون مجازات اسلامی جدید ۱۶- حذف قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ با تصویب قانون جدید ۱۷- تعیین فصل دهم به مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال در پی عدم تصویب لایحه ی قانونی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان ۱۳۸۲. ۱۸- عدم کارشناسی دقیق حقوقی در تدوین قانون مجازات اسلامی جدید.

منابع و مأخذ

◀ کتاب های فارسی:

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ پنجم پاییز ۱۳۸۲، تهران، نشر میزان.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی جلد نخست، چاپ هفتم پاییز ۱۳۸۳، تهران، نشر میزان.
- ۳- ارجمند، ترمنولوژی حقوق جزای اسلامی، دانش، چاپ سوم ۱۳۸۹، تهران، چاپ و صحافی سیمین.
- ۴- نوروزی، فیروز، حقوق جزای عمومی (مجازات)، رحمت الله، چاپ اول بهار ۹۰، تهران نشر میزان.
- ۵- صلاحی، جاوید، درآمدی بر جرم شناسی و بزه دیده شناسی، چاپ اول پاییز ۱۳۸۹، نشر میزان.

۶- آقایی جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد دوم بر اساس لایحه ی قانون مجازات اسلامی؛، چاپ اول ۱۳۹۰، انتشارات جنگل، جاودانه.

۷- محشای قانون مجازات اسلامی، گلدوزیان، ایرج، چاپ نهم ۱۳۸۷، تهران انتشارات مجد.

۸- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی {۱-۲-۳} چاپ پانزدهم زمستان ۱۳۸۶، تهران، نشر میزان.

۹- صبری، نورمحمد، درآمدی بر روش تحقیق در حقوق، چاپ دوم زمستان ۱۳۸۶، تهران، نشر میزان.

۱۰- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه ی علم حقوق، چاپ هفتم ۱۳۸۳، کتابخانه ی گنج دانش.

عربی:

۱- الرائد، جبران مسعود، (فرهنگ الفبائی عربی - فرسی، ترجمه ی انزابی نژاد، رضا - جلد دوم،، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی چاپ پنجم ۱۳۸۶

◀ مقالات:

۱- نشریه روانشناسی و علوم تربیتی، محمد نژاد، پرویز ۱۳۸۵ اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران.

۲- فصلنامه پژوهشی، آموزشی و اطلاع رسانی گواه، عبادی محمد هادی شماره ی ۱۲ بهار ۱۳۸۷ ماهیت حق در فقه امامیه و حقوق ایران.

۳- مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، موسی زاده ابراهیم، تابستان ۱۳۹۰، بررسی مبانی حقوق اجتماعی.

۴- مجله ی مجتمع آموزش عالی قم، رهامی محسن، زمستان ۱۳۸۰ شماره ی ۱۱، ماهیت آثار و مبانی شرعی محرومیت از حقوق اجتماعی.

۵- مجله ی پژوهش های حقوقی، رستمی غازانی امید، واعظی رضا، ۱۳۸۹، مجازات تبعی در فقه امامیه.

◀ پایان نامه ها:

۱- خالقی، ابوالفتح، رساله دکتری، مبانی نظری و جایگاه عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین کیفر سالب آزادی -، دانشگاه تربیت مدرس، زمستان ۱۳۸۰

۲- دانش پژوه، وهاب، پایان نامه ی، محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه (دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ی معارف اسلامی و حقوق ۱۳۷۸.

◀ قوانین:

الف: قوانین داخلی

۱- قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری با انضمام قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، تدوین حسین ساعتچی یزدی، تهران، مجد، چ ۱۲، ۱۳۹۱.

- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، با اصلاحات و تغییرات مصوب ۱۳۶۸، تدوین جهانگیر منصور، تهران، نشر دوران، چاپ ۹۴، ۱۳۹۱.
 - ۳- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ (حدود، قصاص، دیات و مجازات های بازدارنده، جرائم رایانه ای با آخرین اصلاحات و الحاقات، تدوین جهانگیر منصور، تهران، نشر دوران، چاپ نود و یکم ۱۳۹۰.
 - ۴- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، به همراه مواد مربوطه از قانون سابق، تدوین امین بخشی زاده، تهران، چراغ دانش، چاپ اول ۱۳۹۲.
 - ۵- قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی بانضمام قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، تدوین حسین ساعتچی یزدی، تهران، مجد، چ ۱۶، ۱۳۹۱.
 - ۶- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴.
 - ۷- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲.
 - ۸- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱.
 - ۹- قانون جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵.
 - ۱۰- قانون نحوه ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می نمایند ۱۳۸۶/۱۰/۱۶.
 - ۱۱- قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۳۳۹/۹/۱۲.
- ب: قوانین بین المللی.
- ۱- قانون مجازات فرانسه.
- ◀ لوایح: ۱- لایحه ی قانون مجازات اسلامی ۲- لایحه ی قانون مجازات اسلامی جایگزین حبس ۳- لایحه ی قانون آئین دادرسی کیفری.